

تأثیر انگاره آزادی دانشجویان

در تمدن اسلامی با تأکید بر نگره استاد مطهری*

- مهدیه سادات مستقیمی^۱
- نسیم سادات مرتضوی^۲

چکیده

از اصول اساسی گفتمان تمدنی در دانشگاه‌های اسلامی، اصل آزادی است. جاذبه آزادی سبب شد که انقلاب اسلامی آغازگر تحول اجتماعی عظیمی در عصر جدید برای همه اقشار به‌ویژه نسل جوان و دانشگاہیان شود. انگاره آزادی و قدرت این انگاره، هم در پیروزی و هم در تداوم این انقلاب و هم در نقش تمدن‌سازی آن بسیار تأثیرگذار است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس آراء و دیدگاه‌های شهید مطهری سعی شده تصویری از تأثیر نقش تمدنی و جامعه‌سازی قدرت انگاره آزادی دانشجویان به تصویر کشیده شود. آزادی تفکر، آزادی عقیده، آزادی معنوی، آزادی اجتماعی و آزادی فرهنگی اقسام مهم آزادی‌هایی هستند که بستر نقش آفرینی را فراهم می‌کنند. در مجموعه نظام فکری استاد مطهری، آزادی تفکر با آزادی عقیده که بر مبنای دل‌بستگی پایه ریزی می‌شود، متفاوت است و از دیگر تصویرهای ذهنی تمدن‌ساز، آزادی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳.

۱. دانشیار گروه کلام و فلسفه دانشگاه قم (m.mostaghimi@2012gmail.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، نویسنده مسئول (nasim.mortazavi2012@gmail.com).

معنوی است که روشن‌بینی و بصیرت از آثار مهم آن تلقی می‌شود همان‌گونه که آزادی اجتماعی و آزادی فرهنگی، از جلوه‌های مهم آزادی هستند که در ساختن شبکه‌ها و سیستم‌های تمدن و بازخوانی و بازسازی اجتماع نقش بسیار نافذی دارند. در این مقاله براساس چشم‌اندازهای شهید مطهری به بررسی انگاره آزادی و بیان دستاوردهای آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آزادی، قدرت انگاره، استاد مطهری، دانشجویان، تمدن‌سازی

مقدمه

نقش اعتقاد به خداوند در اندیشه انسان به قدری حائز اهمیت است که در کلام امیر سخن، آغاز و پایه دین معرفی شده است، به گونه‌ای که زیر سازی و زیر بنای همه افکار و اعتقادات و اخلاقیات انسان، خداشناسی بیان شده است و لایه‌ها، سایه‌ها و سویه‌های آن را در آزادی بشر در اقسام مختلف آن می‌توان ردیابی کرد چرا که شناخت اسماء و صفات الهی در شناخت بشر نقش بسزایی ایفا می‌کند، وقتی انسان به این واقعیت مهم دست یافت که جز وابستگی، فقر و نیاز و به عبارتی آزادی از قیود وابستگی، مفهوم پیدا نمی‌کند و در بستر اصلاح طلبی دینی به سازندگی روحی و معنوی خود می‌پردازد و شناخت خدا در پرتو تحلیل قدرت انگاره‌های آزادی صورت‌گیری می‌گردد، باز انگاری این مسئله حائز اهمیت می‌شود. از این‌رو نوشتار حاضر، گامی نو در شناخت خدا از طریق تحلیل انگاره‌های آزادی انسان است، تا بتواند با اهتمام به محوریت آزادی بشر خصوصاً قشر جوان که حلقه مهم آنان در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد، به فرهنگ سازی تمدنی برخاسته از آرای اندیشمند آزاد منش؛ استاد مطهری، دست یازد و طریقی در خور اعتنا برای دست‌یابی به زوایای پیدا و پنهان سیاست‌های چشم‌انداز بیست ساله باشد. لذا انواع انگاره‌های آزادی را از اندیشه مطهر مورد واکاوی قرار می‌دهیم تا به نتیجه مطلوب در این مسیر دست یابیم.

۱- مفهوم انگاره آزادی

انگاره نوعی پنداشتن و انگاشتن است و به تعبیر دیگر نوعی تلقی از امری محسوب می‌شود. انگاره از گونه امر ذهنی، صورت و تصویر ذهنی است. اما این تصویر ذهنی

بیش از آنکه مفهوم و تصور باشد، نقاشی است که از اشیاء در ذهن باز می‌آفرینیم. شیوه‌ای که یک شخص، سازمان، محصول و مانند آنها خود را با آن شیوه به جامعه می‌نمایاند، نقاشی بیش و کم پایداری است که از آن سازمان یا محصول در اذهان عمومی ایجاد می‌شود. این نقاشی زشت یا زیبا، مثبت یا منفی و همراه با گونه‌ای ارزش و داوری است و چنین نقاشی از شخص یا سازمان، قابل تغییر است. به عبارتی انگاره صورت خیالی دارای قدرت است. مراد از داشتن قدرت، مؤثر بودن آن است. انگاره در احساسات و عواطف، داوری‌ها و باورها، تفسیرها، رفتار ارتباطی، انتخاب و تصمیم، تأثیر دارد. انگاره وقتی در جامعه زبان می‌آید، نه لفظی برای توصیف و بیان یکی از اوصاف شیء، بلکه همچون اسم بر امری دلالت می‌کند. اما ریشه این دلالت، نام‌گذاری نیست بلکه حاصل فرآیندی است که مهم‌ترین عنصر آن، جانشین‌سازی و به جای اسم نشستن صورت خیالی است (قراملکی، ۱۳۹۷: ۶۵). آزادی در لغت به معنای قدرت انتخاب، رهایی، ضدبندگی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۷/۱)، استقلال در عمل و از آمیختگی رها شدن (راغب، ۱۴۱۲: ۲۲۴) است. حرّ با ضم به معنای نقیض عبد بر وزن احرار و حرار و حرّه به معنای نقیض امه بر وزن حرائر جمع بسته می‌شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۷/۳). آزادی در نگاه شهید مطهری در کنار دو عنصر تربیت و امنیت از لوازم حیات و تکامل شمرده می‌شود. در بینش مطهر از آزادی، به نبودن مانع برای انجام کاری تعبیر شده است که با دو شرط کافی و یک شرط لازم، همراهی می‌کند. شرط اول، رهایی و تسلیم زنجیرهای موجود نشدن در آن قید شده باشد. و شرط دوم، حاکی از مانع فاعلی است که قوای ظاهری یا باطنی فاعل را محدود سازد. و شرط لازم در مفهوم آزادی، مفهومی اثباتی از آن را به تصویر می‌کشاند که معنای عصیان و تمرد در مقابل هر محدودیتی برای تکامل انسان را طراحی می‌کند. بنابراین انگاره ما از آزادی در نگاه شهید مطهری به گوهری با ارزش و گرانبها برای بشر نقاشی می‌شود که نهال آن فقط توسط آزادی خواهان آبیاری می‌گردد و رهایی از قیود انسانی و ادب و اخلاق و تربیت، تصویری نادرست از آن راجلوه‌گری می‌نماید (مطهری، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۶). در تحلیل این مسئله باید گفت در نگاه شهید مطهری، مؤلفه‌های درون ذاتی مفهوم آزادی که هویت آن را تشکیل می‌دهند، عبارت از برداشتن مانع برای انجام کاری است و غیر از

مؤلفه‌های درون ذاتی، دوشرط امنیت و تربیت در پیش زمینه‌های ذهنی از هم‌نشین‌های مفهوم آزادی هستند. ضمیمه شدن سایه هم‌نشینی این دو شرط در کنار هویت معنای آزادی، مثبت بودن تعبیر آزادی را تثبیت و نهادینه می‌سازد و از آزادی یک انگاره می‌سازد. به تعبیر دیگر گویا مفهوم آزادی در دیدگاه علامه مطهری، زائد بر معنای لغوی و مؤلفه‌های درون ذاتی که هویت آن را تشکیل می‌دهند، دارای یک سری حاشیه‌های ذهنی است که این حاشیه‌های ذهنی سنجاق شده به آزادی، نوعی تصرف معنایی در آزادی ایجاد می‌کند و آنچه که از مفهوم آزادی به‌عنوان یک انگاره در ذهن متبادر می‌شود، معنایی فراتر از معنای لغوی را ترسیم می‌کند.

۲- تحلیلی از آزادی مبتنی بر تحلیل نظریه قدرت انگاره

با توجه به تعریفی که از انگاره شد می‌توان به این نتیجه رسید که انگاره در مبادی عمل، نقش بسیار مهمی را دارد و در بین مبادی نظیر مبادی شوقیه، مبادی ارادی، بیشترین تحریک را برای تحقق یک عمل به انجام می‌رساند زیرا اکثر مردم در مرحله خیال و تخیل هستند و از آن عبور نکردند و بیشترین چیزی که مبدأ میل اعمال افراد عامه را تشکیل می‌دهد همین صور خیالیه است. عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها، کنش‌ها، منش‌ها و روش‌های افراد تحت تأثیر قدرت انگاره قرار می‌گیرد و از آنجا که در دیدگاه علامه مطهری، آزادی، انگاره بسیار زیبا و شیرینی است می‌تواند مبادی شوقیه را برای تحقق خود تحریک نماید و نوعی جذب و انجذاب در نفوس را به‌سوی این مفهوم برانگیزد و از این جهت می‌توان قدرت انگاره آزادی را مبتنی بر نظریه قدرت انگاره چنین تحلیل کرد که انگاره آزادی هرچقدر که زیباتر و هیجان‌آورتر و ضروری‌تر در اذهان ترسیم شود، روحیه آزادی‌طلبی در بین افراد آن جامعه بیشتر خواهد شد. در این مقاله، صور مختلف آزادی براساس قدرت انگاره تحلیل می‌شود که مهم‌ترین آنها در ذیل بازپژوهی می‌شود.

۲-۱- آزادی تفکر

در راستای سیاست‌های کلی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در

قسمت مسائل فرهنگی که وزارت علوم از مجریان اصلی آن شمرده می‌شود، اعتلا و عمق بخشیدن به معرفت دینی براساس تعالیم قرآنی در بین دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که دانشگاه خاستگاه اندیشه‌ها و طرح‌های نو است، آزادی تفکر با رویکرد قرآن بنیان در بازآفرینی و پویایی تمدن سازی در دانشگاه‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند.

در نگره استاد مطهری، اسلام نه تنها برای آزادی تفکر، ارزش قائل شده است بلکه تفکر را به‌عنوان یکی از عبادات نهادینه کرده است. عبارت‌های مختلف احادیث در باب تفکر، تفاوت در نوع و موضوع تفکر را بیان می‌دارد، زیرا گاهی تفکری است که انسان را به اندازه یک سال عبادت به سوی کمال پیش می‌برد و نوعی از تفکر او را هفتاد سال پیش گام در حل مسائل قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۲۷/۷۱). ادل دلیل در این امر اجتهادی بودن اصول عقاید در اسلام مطرح می‌شود. طرح بسیاری از مسائل از جمله مسئله اعتقاد به خدا در زندگی انسان نوعی جهان بینی به او می‌دهد که در چگونگی زندگی کردن او بسیار مؤثر است. همان گونه که عدم اعتقاد به خدا چینش فکری او را تغییر می‌دهد. استاد مطهری مثالی اعجاز آمیز از قرآن در زمینه تصویرسازی توحید عملی می‌آورد ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر/۲۹)، "انسانی که برده چند مالک است و آن مالکین شرکاء متشاکس اند و تضاد و ناسازگاری در عقیده دارند و انسانی که بنده یک آمر و حاکم است؛ توجه به این نکته که توصیه به برده در مثال قرآنی انگاره زیبایی از حالت درونی انسان را بیان می‌دارد؛ بدین معنا که انسان در درون خودش نمی‌تواند حکومت هیچ ایده‌ای را نپذیرد و آزاد مطلق زندگی کند که در این صورت مساوی است با خروج از انسانیت. لذا افکار مختلف، هدف‌ها و اندیشه‌های متفاوت، آرزوهای ناسازگار علت تشّت و گسیختگی در روان انسان است. بنابراین در توحید عملی حکومت چند معبود باعث تباهی می‌شود همان گونه که در توحید نظری حاکمیت چند خدا در عالم باعث فساد عالم می‌گردد. تأثیر خدا در زندگی انسان با وحدت روانی او رابطه مستقیم دارد. تصویر وحدت خدا در اندیشه انسان تصویر تسلیم یک قدرت و مقام شدن را نقاشی می‌کند برخلاف مشرکی که شخصیت او هم‌سازی و

هماهنگی ندارد و روح و روان او در گرو قدرت‌های متضاد و نامتحد است. در منظومه اعتقادی استاد مطهری دو نوع شیوه تفکر وجود دارد که در نوع اول به تفکر انسان اصالت می‌دهد و در نوع دوم هیچ اصالتی برای تفکر انسان قائل نیست و تابع شرایط عینی و ذهنی و فردی و اجتماعی است؛ در حالی که اصالت عقل و تفکر در انسان، روان او و جامعه او و به عبارت صحیح‌تر جهان بینی او را می‌سازد و او را از قید تفرقه و قطعه قطعه شدن روح نجات می‌دهد و از بیماری‌های تمدن یعنی بیماری بی‌ایمانی که در دوره تمدن پیدا شده رهایی می‌بخشد (مطهری، ۱۳۹۴: ۲۰-۴۰). برخی معتقدند که بهترین نوع قانون همان است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شده است؛ ولی عقیده پیروان مکتب انبیاء بر این است که هرگز عقل ناقص، قادر به وضع قانون کامل نیست، از این رهگذر آزادی انسان نیز با قانون خداوند سبحان تعیین می‌یابد و با این بینش توحیدی، تسلیم شدن به هرکسی جز خداوند و مأذون از جانب او محدود کننده آزادی یا سلب حریت است (جوادی، ۱۳۹۸: ۴۹۲).

از اثرات اجتماعی تفکر توحیدی تحولات اجتماعی در زندگی بشر است. نظامات زندگی حیوانات همان نظاماتی است که پنج هزار سال پیش داشته‌اند تمدن‌ها عین همان تمدن است ولی زندگی اجتماعی انسان دارای تحولاتی است که گاهاً منجر به انقلاب‌های بشری می‌گردد. اسلام در تمام شئون زندگی بشر انقلاب به وجود آورد، و متدش این است که انقلاب باید در تفکرات انسان شروع شود و در جهان بینی بشر پیدا گردد و انقلاب‌های دیگر به منزله شاخه‌ها و برگ‌ها و میوه‌های این انقلاب‌اند (مطهری، ۱۳۹۴: ۴۷). لذا در منطق قرآن باید ریشه‌های انقلاب فکری تصحیح شود که آیه ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهیم/۲۴)، تصویر زیبایی از آن را رونمایی می‌کند. خداوند در این آیه کلمه طیبه را به درختی پاکیزه مثال می‌زند که ریشه دار باشد و تنه و شاخه‌های آن، رو به آسمان، درختی که تمام ایام سال را میوه می‌دهد. تجسم این مثال در اذهان دانشجویان تجسم اندیشه خدا در جامعه بشری است که با فطرت و وجدان آنها عجین شده است. همان‌گونه که انقلاب فکری پیامبر اسلام ﷺ از قولوا لا اله الا الله تفلحوا آغاز شد، از فکری که جهان بینی انسان را از ریشه تکان داد و از روزه و نماز و حج و زکات شروع

نگردید. زمانی که بینش توحیدی در جامعه صورت‌گری شود، تصویر عدالت، مساوات اجتماعی و... عقبه آن خواهد بود و استمرار آن استمرار سایر انقلاب‌ها در زندگی بشر را به دنبال دارد. بنابراین به تعبیر قرآن انسان‌ها دو دسته‌اند انسان‌های راقی و مترقی که تمام زندگی خود را بر پایه فکر منطقی بیان می‌کنند و قدرت انگاره آزادی تفکر در آنان به قدری زیاد است که علل و شرایط مادی نمی‌تواند خللی در آنها ایجاد کند به خلاف انسان‌هایی که فکر و اندیشه آنها از وهم و خیال‌شان سرچشمه می‌گیرد و تابع شرایط محیطی و تقلیدی و تلقینی آنهاست که در این‌گونه افراد اعتقادات روبنا هستند که اگر زیربنایها تغییر کند فوراً فرو می‌ریزند (همان، ۶۲). زیربنای شخصیت انسانی در بینش مطهر نیمی فکر و اندیشه و نیمی اراده اوست که با رنگ تقوا و رضای الهی نقاشی شده باشد. از مثال‌های قرآنی که تیپ شخصیتی انسان را در قالب اراده معرفی می‌کند آیه ﴿أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارٌ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (توبه/۱۰۹)، است که عده‌ای بنیاد کارشان بر مبنای تقواست به عبارتی زیربنای کارشان رضایت خداست و عده‌ای بنیان کارشان بر لب پرتگاهی استوار است. در فلسفه قرآنی، خداشناسی به صورت استدلالی و آزمایشی تجلی نموده است بدین معنا که از راه عقل و تفکر و برهان خدا را به مخاطبین عرضه کرده و از راه آزمایش و عمل و تجربه نتیجه معامله با خدا را در زندگی واکاوی نموده است ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت/۶۹)، لذا این اراده و تفکر است که سیر تطورات خلقتی انسان با حیوان را متمایز می‌کند و بر اساس بینش توحیدی نظام آفرینش است که انسان به تنعم یا تألم رهنمون می‌گردد هرچند انسان دارای اراده و اختیار است ولی انتخاب سرانجام کار با او نخواهد بود، نتیجه طریق ایمان، مجاورت با پروردگار و نتیجه مقصد کفر، دوری از رحمت الهی و ملابست با آتش خشم الهی است. براین اساس، آزادی محمود در پرتو تعالیم آسمانی متجلی است و رهایی مذموم، در پذیرش قوانین انسانی، کسی که انگاره ول شدن دارد، از او به ولنگار یاد می‌شود و هرزگی، ولگردی، اباحی‌گری، او را همراهی می‌کنند (جوادی، ۱۳۹۸: ۴۹۳).

در منظومه استاد مطهری ریشه اندیشه‌های باطل در قرآن معرفی شده، که یکی از

آنها، پیروی از گمان بیان شده که در صورت نزدیک شدن به ظن و گمان بالا، کأنه شخص یقین پیدا می‌کند، اظهار نظر جزمی می‌نماید و به استناد آیه ﴿وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ (انعام/۱۱۶)، اکثریت مردم روی زمین به دلیل پیروی از حدس و گمان گمراهند و انسان را به گمراهی می‌کشانند، که با بیان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بر افرادی که به‌عنوان "همج رعاع" یعنی مگسائی سرگردان نقاشی شده‌اند، مطابقت دارد (حکمت ۱۴۷)، در معرفی دیگر انگاره‌های اندیشه باطل، سنت‌گرایی و تجدد‌گرایی مطرح می‌شود که در قرآن به‌عنوان تبعیت کورکورانه از گذشتگان، پدران و مادران تعبیر شده است ﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ﴾ (زخرف/۲۳)، علت مبارزه قرآن با تقلیدها، آزادی فکری نادرست بشر بوده است. نمونه‌هایی که می‌توان آنها را شاهد عینی برای دانشجویان آورد؛ چهارشنبه سوری و مد‌گرایی است که باید با مقیاس عقل و منطق سنجیده شود برای مثال می‌توان این نکته را متذکر شد که مدسازای یکی از نیرنگ‌های دنیای سرمایه‌داری برای ازدیاد مصرف است که اجرا می‌گردد. از دیگر منابع لغزش و خطا در اندیشه مطهر با تکیه بر قرآن پیروی از بزرگان و اکابر است ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾ (احزاب/۶۷)، که غیر از پیروی از گذشتگان می‌باشد و مثال‌های عینی آن برای دانشجویان، جلوه‌گری قهرمان‌های هنری، اجتماعی، ورزشی، سیاسی و..... است که به پیروی از آنها در رفتار از جمله نوع لباس و گفتار آنها تغییراتی صورت می‌گیرد و نیز دلیل بسیاری از بدحجابی‌ها و سیاست‌های ناروا و سهل‌انگاری‌ها در عبادات در پیروی از هوای نفس نهفته است که از دیگر ریشه‌های اندیشه باطل باز انگاری می‌شود ﴿...إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ...﴾ (نجم/۲۳) (مطهری، ۱۳۹۲: ۷۴-۸۲).

در راستای بازیابی و بازسازی آزادی تفکر در دانشجویان می‌توان؛ زمینه‌سازی به منظور ایجاد توانایی بحث و گفت‌وگو و نقد و ارزیابی سایر فرهنگ‌ها و ملل و تمدن‌ها که از سیاست‌های راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی است (مصوب جلسه ۵۳۱ مورخ ۸۲/۱۰/۹)، اشاره نمود که پرده از مسائل خطیری در دانشگاه‌های اسلامی

برمی دارد و شبهات مختلفی پاسخ داده می‌شود؛ از جمله شبهه برتری اسلام و مسیحیت یا بالعکس رمزگشایی می‌شود، وقتی قشر جوان ما واقف شدند که در مسیحیت اصول دین، منطقه ممنوعه برای ورود عقل و فکر و در اسلام عقل منطقه لازم ورود برای حل مسائل بنیادین است. انگاره آزادی تفکر در ذهن آنها نقاشی می‌شود و معبری جهت رشد و ترقی معرفی می‌گردد؛ همان‌گونه که ماکس وبر بر خلاف کارل مارکس، برای فکر و ایمان و عقیده، اصالت قائل بود. او معتقد بود انقلاب پروتستان‌ها، یک انقلاب فکری بود که به احیاء عقل پرداختند و تطابق دین و عقل را مطرح کردند و واسطه‌گری کشیشان را حذف کردند و اصالت به انسان دادند، برخلاف کاتولیک‌ها که دیواری میان دنیا و آخرت کشیدند، لذا می‌توان نتیجه گرفت که آزادی فکر و اندیشه می‌تواند منشاء انقلاب و تحول و پیشرفت شود (لوویت، ترنر، ۱۳۸۵: ۱۰۴). بنابراین تمدن‌سازی دانشگاه‌ها در افق چشم انداز با رویکرد تطبیقی در بین ملل و ادیان از اهمیت بسزایی برخوردار است همان‌گونه که بهترین روش در اسلام برای جلوگیری از هرگونه انحرافات فکری، ایجاد فضای مناسب برای تبادل اندیشه‌ها و تضارب آراست که قرآن از آن به مرابطه یاد می‌کند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/۲۰۰) (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۸۷)، لذا در پرتو انگاره آزادی تفکر، انسان تصویری صحیح از جهان بینی الهی را در مسیر زندگی خود ترسیم کرده و گام‌های خود را بر مبنای این تفکر بر می‌دارد، چرا که نقشه نقاشی شده در ذهن او حکایت از افق روشن اعتقاد به یک معبود و رهایی از ماسوی الله دارد و قیود بردگی نفس را کنار زده و با فطرت خود، به کمال نهایی که همان حریت او در لباس عبودیت است خواهد رسید و از اندیشه‌های باطل که برخاسته از قیود و نشأت گرفته از وهم و خیال است، دوری می‌گزیند.

۲-۲- آزادی عقیده

براساس دیدگاه شهید مطهری، مبنای اعتقاد و انعقاد روح انسان گاهی از تفکر نشأت می‌گیرد ولی در اکثر موارد، این مبنای بر پایه دل‌بستگی پایه ریزی می‌شود. ریشه دل‌بستگی‌ها، تعصب، جمود و خمود و سکون، تعریف می‌شود که اولین اثر آن، ایجاد

مانع برای آزادی تفکر است. لذا پرستش انواع ارباب در تاریخ بشریت زائیده آزادی عقیده است نه آزادی فکر و بیان که به صورت تدریجی جزء سنن و مآثر ملی می گردد، و از رسوم آن ملت به شمار می آید، و در تمدن سازی آنها نقش مهمی ایفا می کند (مطهری، ۱۳۹۴، ۵۴). بنابراین انجام مطالعات و تحقیقات مستمر برای ارتقای ارزش‌ها و باز آفرینی سنت‌های ملی و مذهبی و انقلابی بر وفق نیاز و متناسب با اقتضائات نوین که از سیاست‌های اجرایی مصوب شورای عالی انقلاب به منظور تحقق سیاست‌های راهبردی است، در راستای این مهم شمرده می شود (مصوب جلسه ۵۳۱ مورخ ۸۲/۱۰/۹). برخی مفسرین در تفسیر آیه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ (بقره/۲۵۶)، به بیان دیدگاه قرآن درباره آزادی عقیده پرداخته‌اند (دایرة المعارف قرآن کریم ۱۳۸۲: ۱۲۶/۸؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۳۷/۳-۳۹؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۲۹۱/۱).

علامه طباطبایی نیز به بیان تفاوت معنای آزادی در اسلام و در تمدن غربی پرداخته و ضمن پذیرفتن آزادی در اظهار عقیده در مقام بحث علمی، برخی انحرافات در معنای آزادی عقیده در اسلام را رد کرده و محدوده آزادی در اسلام را مشخص می کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶/۴-۱۱۷؛ ۶، ۳۵۱/۳-۳۵۳).

مفهوم آزادی عقیده در منظومه فکری استاد جوادی آن است که انسان در نظام تکوین آزاد آفریده شده و کاملاً در اثبات یا نفی، قبول یا رد و ایمان یا کفر آزاد است، اما پس از انتخاب مسیر در نظام تشریح، قادر به انتخاب نتیجه نخواهد بود زیرا نتایج اعمال، اعتباری نیستند بلکه حقیقی و تکوینی‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۴۷۵).

انگاره آزادی عقیده در دانشگاه‌های اسلامی، بالاترین اشتباه در نگره شهید مطهری است همان گونه که به صراحت اعلامیه جهانی حقوق بشر، این اشتباه را مرتکب شده است، و بشر را از آن جهت که بشر است و دارای حیثیت و استعداد انسانی است محترم می شمارد و از این رو باید عقیده او نیز محترم شمرده شود. دلایل قرآنی متعددی شاهد مدعای ماست؛ از جمله آزادسازی عقیده بت پرستی توسط حضرت ابراهیم با شکستن بت‌ها و قرار دادن تبر برگردن بت بزرگ که با ارجاع به نفوسشان تصویر انگاره آزادی زنجیر عقیده، در ذهن آنان باز سازی می شود. این مورد در فلسفه هگل و کارل مارکس به از خود بیگانگی تعبیر شده است (مطهری، ۱۳۹۲: ۶۰-

۶۴). همان گونه که رسول اکرم ﷺ از جامعه عرب جاهلی، این زنجیر اعتقادی را باز کرد و فکرشان را آزاد نمود ﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ (اعراف/ ۱۵۷)، و نیز آزادی عقیده بر مبنای تفکر با آیه ﴿لَا إِكْرَامَ فِي الدِّينِ﴾ (بقره/ ۲۵۶)، سازگاری دارد. شاهد تاریخی ما محاکمه، تفتیش عقاید و مخالفت با اربابان کلیسا و به دنبال آن آزار عیسوی‌ها و یهودی‌ها در قرون وسطی است (مطهری، ۱۳۹۴: ۴۳). و بهترین شاهد وجدانی ما، شخصی بودن دین در نگاه غربی‌هاست که با آزادی عقیده ارتباط مستقیم دارد و هر کس، هر دینی را جهت نیاز درونی خود انتخاب کند آزاد است. تلقین و تذکر مسلمان شدن ایرانیان در هنگامه حکومت ایرانی نه تسلط حکومت اعراب، برای دانش پژوهان از دیگر شواهد تاریخی در حل مسئله به شمار می‌آید.

در نظرگاه مطهری، دو علت جهت پیدایش و گسترش تمدن جهانی اسلام معرفی شده است که اولین آن، تشویق اسلام به تفکر و تعلیم و تعلم که در متن قرآن متذکر شده است و دومین علت آن، احترامی است که اسلام به عقاید ملت‌ها قائل شده، و به عبارتی تساهل و تسامحی که اسلام راجع به عقاید ملت‌ها ی مختلف اجرا می‌کند. لذا اعتراض و تشکیک و ایجاد شبهات در دانشجویان، پرده‌هایی از ابهام را کنار می‌زند و خرافات و اوهامی که توسط برخی دشمنان خدمت‌گزار مطرح می‌شود که توسط اساتید در دانشگاه‌ها تبیین می‌گردد که سبب معرفی منطق فلسفی اسلام می‌گردد و زنده بودن دین را بیان می‌دارد؛ از جمله زمینه سازی‌های نهاد تمدن ساز به شمار می‌رود (همان، ۴۹). در دیدگاه شهید مطهری باید در دانشکده‌های الهیات، استادی که مؤمن به مارکسیسم است و ماتریالیسم دیالکتیک را شناخته باشد و به خدا اعتقاد ندارد حتی با هزینه‌گزارف تدریس نماید، آزادی عقیده خود را به دور از هرگونه اغفال و تمسک به آیه قرآن بیان دارد. نه اینکه یک استاد مسلمان، این مسائل را تدریس نماید. بنابراین استاد مسلمانی که شعار "اتحاد، مبارزه، آزادی" را مطرح می‌کند، هدف او از بیان این تصویر سازی چیست؟ آزادی قلم او، آزاد سازی به منزله (کالمستجیر من الرمضاء بالنار) است یا آزاد سازی من الرمضاء بالظل؟ در پرتو این آزادی فریبنده، تفاسیر مادی جلوه‌گری می‌کند که برای مثال غیب در آیه ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (بقره/ ۳)، را "انقلاب" تفسیر می‌کند که باید نظام امپریالیستی واژگون شود تا این انقلاب استتار شده، به مرحله شهادت خود

برسد (همان، ۵۶). لذا در گفتمان رقیب، رهیافت آزادی عقیده، رهایی از چهار چوب اعتقادات خاص و عدم التزام به حقیقت شریعت است بلکه می‌توان بر مبنای پلورالیسم دینی، چهار ضلع اعتقادات آنها را نقاشی کرد که در مکتب اسلام، بطلان زیر بنا و اضلاع آن امری مشهود است.

شفاف سازی تفکر آزاد در نگاه دانشجویان، آزادی از هر نوع اختناق و منافق‌گری و توطئه‌گری را طراحی می‌کند و آنان را در پرده‌ای از ابهام و دوگانگی عقاید قرار نمی‌دهد، و در زیر لوای اسلام یا مظاهر اسلام تصویر سازی در اذهان آنان صورت نمی‌گیرد. بنابراین توجه به نقش الگویی استادان در رفتار سازی دانشجویان و الگوسازی براساس آنکه از دیگر مؤلفه‌های راهبردی دانشگاه، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی طراحی و تصویب شد، از مسائل مهم در مرمت و حفظ و توسعه این نهاد مدرن به شمار می‌رود.

۲-۳- آزادی معنوی

از سیاست‌های راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت توسعه و پویایی تمدن سازی دانشگاه توجه به مؤلفه‌های ذیل است:

۱. گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس و اعتلای عقلانی و علمی دانشجویان
۲. تقویت روحیه آرمان‌گرایی، کمال‌جویی، آزادگی، ایثارگری، حقیقت‌جویی و..... دانشجویان

که با ترسیم آزادی معنوی در بینش مطهر سازگاری و هم‌نوایی دارد. در اندیشه مطهر از آزادی معنوی به "تزکیه نفس" و "تقوا" تعبیر شده است که در واقع آزادی انسان از قید و اسارت خویش است. ایشان معتقد است که تقوا از "وقی" به معنای حفظ و صیانت و نگهداری می‌باشد ولی تا کنون دیده نشده که در ترجمه‌های فارسی، این کلمه را به این صورت ترجمه کنند بلکه به معنای پرهیزکاری و خوف و ترس ترجمه می‌شود که لازمه صیانت و حفظ می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱). تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی

نماید و از اصول معینی پیروی نماید. بنابراین از مختصات دین‌داری نیست (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۶۰). آزادی معنوی به دو صورت قابل تصویر سازی ذهنی است: اول اینکه انسان خود را از آلودگی‌های معاصی حفظ کند و از محیط گناه آلود دور نگه دارد که تقوای ضعف نام دارد و در الگوی ذهنی دوم، در روح خود، حالت قوتی به وجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی دهد که به تقوای قوت، تصویر سازی می‌شود، و زمانی که به پرهیزکاری معنا شود همان انگاره تقوای ضعف را بازاندیشی می‌نماید که عقب نشینی کردن‌ها را در نظرها مجسم می‌نماید، و نتیجه آن اجبار عملی است بدون اینکه نفس خود را از قید تمایلات نفسانی آزاد سازد و به آزادی معنوی منجر گردد (همان، ۱۶۲). به همین دلیل تقوا نوعی مصونیت است که در کلام حضرت علی علیه السلام "فصونوها و تصونو بها" بیان شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹). و آثار آن در کلام امیر سخن به زیبایی به تصویر کشیده شده است «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ، وَ ذَخِيرَةٌ مَعَادٍ، وَ عَيْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ، وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ، وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تُسْأَلُ الرَّغَائِبُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰)؛ هر آینه ترس از خدا کلید رستگاری و درست کاری و اندوخته روز بازپسین [و آزادی از هر بندگی و رهایی از هر تباهی است]، هر که را نیازی باشد، نیازش بدان برآید. هر که گریزان است رهایی یابد. هر که را خواسته ای است به خواسته های خود برسد. یا می‌فرماید: «إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ. وَ بَصْرٌ عَمَى أَفْتَدِيكُمْ. وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ. وَ صَلاَحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ، وَ طَهْوَرُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ، وَ جَلَاءٌ عَشَا أَبْصَارِكُمْ، وَ أَمْنٌ فَرَعَ جَأَشِكُمْ، وَ ضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ» (همان، خطبه ۱۹۸)؛ همانا تقوای خدا داروی درد قلب‌های شما و بینا کننده کوری دل‌هایتان و شفابخش بیماری جسم‌هایتان و برطرف کننده تباهی سینه‌هایتان و پاک کننده آلودگی جان‌هایتان و روشنی بخش ضعف چشم‌هایتان و فرو نشاننده ترس و اضطراب دل‌هایتان و زداینده سیاهی ظلمتتان است. بنابراین از آثار آزادی معنوی، اصلاح جامعه است که در مسائلی مانند طلاق که آمار آن در قشر جوان روز به روز فزونی می‌یابد، تأثیرگذار است که کاهش طلاق با افزایش تقوا، رابطه مستقیم دارد. همان گونه که بین آزادی معنوی و سلامت بدن رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. روشن بینی و بصیرت از لوازم تمدن سازی جهان اسلام به شمار می‌آید که از آثار آزادی

معنوی محسوب می‌گردد و آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَشَاءُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال / ۲۹)، به آن اشاره دارد و به حکمت عملی نیز تعبیر می‌شود. تصویرسازی انگاره شناخت دوست و دشمن از دیگر آثار آزادی معنوی است که در بازسازی ذهنی دانشجویان بسیار مؤثر است و در کلام حضرت امیر به آن اشاره شده است. همان‌گونه که آثار آن در تجلی کشف معارف الهی و تلطیف احساسات جلوه‌نمایی می‌کند و در کلام شعرای قدیم تصویر واضحی از این مطلب به چشم می‌خورد. از دیگر جنبه‌های آزادی معنوی پیروزی بر شداید و مشکلات است که آیه ﴿... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...﴾ (طلاق / ۲)، پرده از آن می‌گشاید، از آنجا که انسان موجودی مرکب است، تضاد و ضدیت درونی بر او حکومت می‌کند، حال اگر دانشجویان در دانشگاه‌ها را به قضاوت درباره خود بتوان دعوت نمود و قاضی و مدعی و مدعا علیه در وجود او به یک صورت نقاشی شود تصویر ذهنی او در مورد خودش چگونه خواهد بود؟ در زمانی که صددرصد قیام علیه منافع اوست آیا آن را سلب و به دیگری تفویض می‌نماید؟ استاد در آموزش آزادی معنوی به دانشجو و تصویرسازی روح متعالی آزادمنشی و آزاد اندیشی وظیفه‌ای مهم ایفا می‌کند که دانشجو بتواند علیه خود حکم نماید که هر کس درون او واعظی نباشد، موعظه دیگران در او اثر نمی‌کند، بنابراین آزادی معنوی قسمت عالی انسانی انسان است که از قسمت حیوانی و شهوت آزاد شده باشد و در واقع بزرگترین هدف انبیاء عظام می‌باشد (مطهری، ۱۳۹۴: ۹۱)، هم‌چنانکه دنیای غرب، آشفته‌گی و سرگردانی انسان را در بی‌ایمانی و دوری از خداوند یاد آور شده ولی براساس آموزه‌های اسلام، زندگی در تفسیر دقیق و معنادار از بندگی و تقوا تبیین شده است که در آزادی بنده از قید هواهای نفسانی منطوی است. مؤید ما، سخن علامه جوادی از تفسیر زندگی در حدیث بندگی رونمایی می‌شود چنانکه ایشان قائل است هدف حیات انسان برای نوپایان "عبادت" و برای متوسطان "عبودیت" است؛ اما هدف نهایی بسی فراتر از این‌دو است و آن مظهر ربوبیت، به عبارتی حریت عبد است در لباس عبودیت حق، که این هدف حیات برای اخص خواص، صورت‌نمایی شده است (جوادی، ۱۳۹۸: ۱۷۷).

۲-۴- آزادی اجتماعی

تمدن، محصول اجتماعی شدن است و با پیچیده شدن روابط انسانی تعریف می‌شود. تمدن، واحدی عام برای تحلیل یک اجتماع است که علاوه بر توجه به ابعاد مادی زندگی بشری به ابعاد روحی و معنوی آن نیز توجه دارد. در منظومه فکری مطهری، یکی از حماسه‌های قرآنی، موضوع آزادی اجتماعی است که در آیه ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۴)، به آن اشاره شده است. در این آیه همه ملت‌ها را به پرستش یک معبود دعوت می‌کند که با جمله ﴿أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ بیان می‌گردد و با جمله ﴿لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ نظام اسارت و استثمار و لا مساوات را ملغی و آزادی اجتماعی را تصویر سازی می‌کند. در اعلامیه حقوق بشر، علت العلل تمام جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها، بی‌احترامی به آزادی دیگران مطرح شده است. سه عامل مهم در سلب آزادی اجتماعی تأثیرگذار است، عامل اول؛ آن است که افراد سلب‌کننده آزادی با دلیل سودجویی و منفعت‌پرستی و قدرت باعث سلب آزادی دیگران می‌شوند. و عامل دوم؛ که مربوط به آزادی افراد سلب‌شده است، دو دلیل رخوت و سستی و ضعف به‌عنوان عوامل مهم سلب آزادی معرفی شده‌اند. و سومین عامل؛ قوانین اجتماعی و تشکیلات اجتماعی است به‌گونه‌ای که افراد اجتماع نتوانند آزادی خودشان را تأمین کنند (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۰۵). رهیافت اسلام در بازدارندگی این عوامل، محدود کردن قدرت سودجویان و تعلیم و تربیت روح حقیقت‌جویی و مبارزه با زبونی و ضعف می‌باشد. در نگاه دانشجویان امروز، استاد مارکسیست، سخن عیسوی و محمدی می‌گوید و استاد معارف، سخن مارکسیستی را در ذهن آنان پرورش می‌دهد. در منظومه فکری استاد مطهری، دو رمز موفقیت در بازنمایی آزادی اجتماعی، صداقت و دوری از نفاق و قدرت‌اجرائی در جامعه است. از اصول مهم در نظام فکری ایشان عدم تفکیک آزادی معنوی از آزادی اجتماعی است چرا که این دو در هم تنیده شده‌اند بدین معنا که اندیشه‌های اومانستی و لیبرالیستی، انسان را در قیود اسارت و بندگی نفس قرار می‌دهد در حالی که اندیشه‌های الهی، آزادی حقیقی را به فرد و

جامعه تزریق می‌کند. در پرتو اندیشه‌های ملحدانه، فرد در قیود مادی اسیر شده که از اثرات آن افسارگسیختگی و بی بندوباری می‌باشد، به عبارتی آزادی معنوی از بین رفته و بانابودی اجتماع قرین می‌گردد.

بنابراین ارتقاء سطح دانش و بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان و تجهیز آنها با توانایی‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز برای تحلیل مسائل جامعه و جهان در تحقق آرمان‌های اسلامی و نیز ارتقاء سطح دانش و معرفت دینی و سیاسی و اجتماعی استادان متناسب با رشته تحصیلی، علایق و تجارب آنان و همچنین حل مشکلات اجتماعی و معیشتی دانشجویان به منظور فراهم آوردن بستر لازم برای فعالیت‌های علمی فرهنگی و دینی آنان؛ از جمله تدابیر سیاست‌های راهبردی شورای عالی انقلاب جهت اعتلای کانون تمدن یعنی دانشگاه‌ها محسوب می‌شود که باید در گفتمان تمدنی مورد بازخوانی و مذاقه بیشتری قرار گیرد.

۲-۵- آزادی بیان

در مجموعه اندیشه شهید مطهری، یکی از دلایل بقای اسلام، انگاره آزادی بیان است که به گروه‌های مختلف اجازه طرح افکار خود را می‌دهد و ضبط افکار آنان توسط علمای مذهبی، دلیلی بر بقای تفکرات آنها می‌باشد که کتب احتجاجی حدیثی، ادعای ما را ثابت می‌کند. مغنیه در ذیل آیه ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۳۰)، از اینکه خداوند به ملائکه اجازه اعتراض داده است، آزادی بیان را نتیجه می‌گیرد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۸۱/۱)، در نگره بینش مطهر، تنها راه حفظ از کیان اسلام، ایجاد آزادی بیان در اندیشه است، و بیان مارکسیست باید با نام لنین، استالین، مارکس و انگلس باشد و با قالب‌های اسلامی و منطق فریب همراه نگردد. نقاشی آزادی در بیان استاد معارف، باید واضح گردد و حد و مرز آن روشن شود و این بهترین مواجهه با افکار مخالف است که در منطق اسلام بیان گردیده است (مطهری، ۱۳۹۴: ۶۰). علامه جوادی آملی در باب تفاوت آزادی اندیشه با آزادی اظهار اندیشه بیان می‌کند:

از باب «تعریف الأشياء بأضدادها» درک بایسته معنای «آزادی اندیشه» در گرو فهم معنای بردگی و اسارت اندیشه است. برخی آزادی اندیشه را با رهایی و نیز آزادی اظهار اندیشه خلط کرده و آن را دستاویزی برای ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی قرار می‌دهند؛ در حالی که اندیشه حقیقی فراحسی است و آزادی یا اسارت آن، در درجه نخست، معلول عوامل حسی بیرون از جان انسان نیست. آنچه می‌تواند عقل و اندیشه را به اسارت درآورد شهوت و غضب و وهم است که هر سه از قوای درونی نفس‌اند. پس آزادی اندیشه در گرو رهایی از شهوت و غضب و وهم افسارگسیخته است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۳۷-۳۸).

هم‌چنانکه تفکرات قرآنی تصویر رستگاری را درآزادی از حرص و بخل از هوای نفس به تصویر می‌کشاند ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (تغابن/۹)، روایات نیز آزادی را در ترک شهوات صورت‌گری می‌کنند، «من ترک الشهوات کان حراً» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۳۹/۷۴؛ حرانی، ۱۳۶۳: ۸۹)، لذا آزادی اندیشه در نگاه استاد مطهری با کلام وحی هماهنگی و هم‌نوایی دارد. ولی آزادی اظهار اندیشه در جهت سوق دادن انسان به سمت کمالات انسانی بایسته است و برای ایجاد انحراف در نظام اسلامی باطل و ناشایست است، زیرا نشر عمومی افکار الحادی در نظام اسلامی، که بر توحید و تقوا استوار است، اختلال و بی‌نظمی می‌آورد. انسان در اسلام صاحب کرامت و آزادی حقیقی است. خداوند آزادی انتخاب راه را به او اعطا و طریقه گزینش بهترین را به وی آموخت (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۷۸)، همان‌گونه که از آیه ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۱۸)، استنباط آزادی در انتخاب سخن برتر استنباط می‌شود که مؤلفه‌های راهبردی سیاست‌های اجرایی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای ساخت دانشگاه اسلامی و نهادی تمدن محور در زمینه آزادی بیان به شرح ذیل می‌باشد که لازم و ضروری است این موارد در اذهان اқشار دانش پژوه بازاندیشی و هم‌اندیشی شود.

۱. قانون‌مندکردن فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی دانشجویان به منظور فراهم کردن محیطی سالم و آزاد و مطمئن برای بحث، گفت‌وگو، تحرک و ارتقای اندیشه دینی.
۲. تقویت تشکل‌های متنوع علمی، دینی، فرهنگی و صنفی دانشجویان به منظور افزایش نشاط و تحرک و مشارکت آنها.

۳. تعظیم شعائر مذهبی برای اعتلای روح دین باوری و احترام به ارزش‌های مذهبی متناسب با فضای علمی و فرهنگی دانشگاه.
 ۴. طراحی و اجرای برنامه‌های هدفمند فرهنگی، اجتماعی و فوق برنامه در قالب فعالیت‌های مشارکتی.
 ۵. معرفی چهره‌های پرتلاش و موفق در حوزه‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی متناسب با شرایط روز و محیط‌های دانشگاهی.
 ۶. بسترسازی مناسب برای تبادل آزاد اطلاعات و اخبار مورد نیاز برای تحلیل مسائل جامعه و جهان به منظور تحقق آرمان‌های اسلامی.
 ۷. تلاش برای افزایش قدرت نقد و دوری از سطحی‌نگری در میان دانشجویان.
 ۸. ترویج و تقویت روحیه قانون‌گرایی در میان دانشجویان و تشکل‌ها و نهادهای دانشجویی.
 ۹. به رسمیت شناختن تشکل‌های مختلف باسلاطین و گرایش‌های متنوع و متکثر سیاسی اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه و در چهارچوب قوانین و مقررات.
 ۱۰. زمینه‌سازی مناسب برای ارتباط متقابل و گفت‌وگوی همدلانه دانشجویان دانشگاه‌ها با طلاب علوم دینی (مصوب جلسه ۵۳۱ مورخ ۸۲/۱۰/۹).
- البته باید خاطر نشان کرد که آزادی بیان در محیطی باید باشد که مخاطبان آن، قدرت فهم و تشخیص سره از ناسره و حق از باطل را داشته باشند وگرنه دچار انحرافات فکری گشته و زمینه‌های تشنیت افکار و عقاید نادرست در جامعه فراهم خواهد شد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که در مجامع علمی و تخصصی که اهل فن حضور دارند و از تخصص لازم بهره‌مند هستند به ایراد بیان و نقد و تحلیل مسائل پرداخته شود و در مکان‌های عمومی که افراد قدرت تصویرگری اندیشه‌های صحیح را از ناصحیح ندارند اجتناب گردد.

۲-۶- آزادی فرهنگی

جبر محیط یکی از عذرهایی است که امروزه به‌عنوان متناسب شدن با اقتضائات زمانی و مکانی مطرح می‌شود. برخی از دانشجویان، شرکت در مجالس حرام،

بدحجابی و دیدن فیلم‌های مستهجن و... را از اقتضائات محیطی می‌دانند در حالی که از نظر اسلام، این عذر مسموع نیست. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿... قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...﴾ (نساء/۹۷). در مجموعه معرفی استاد مطهری، یکی از نکات برجسته سیره زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله تقدم عقیده بر جان و مال و آب و خاک است که منتهی به هجرت می‌شود. این سلوک ظاهری با سلوک الی الله باید توأمان باشد به عبارتی هجرت جسمی و هجرت روحی که در آیه ﴿مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء/۱۰۰). متذکر آن شده است، همراه هم باشد. تعمیم این آیه به طالبان علم در تفاسیر، از مشهودات قرآنی این مسئله به شمار می‌آید. لذا دانشجویانی که جهت ازدیاد ایمان، جلای وطن می‌کنند و هدف آنها اصطیاد نیازهای اسلامی است هرچند در پوشش لباس پزشکی جلوه‌گری نمایند مهاجر الی الله محسوب می‌شوند. بحث هجرت همان‌گونه که در نهج البلاغه مسطور است اختصاص به زمان و مکان معین ندارد بلکه به حکم و وضع اول خودش باقی است «الهجرة قائمة على حدها الأول» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹). از مصادیق دیگر هجرت در منظومه فکری استاد مطهری، هجرت از گناهان است که در روایت «المهاجر من هجر السيئات» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۲۳۵) به آن اشاره شده است و نکته حائز اهمیت آن است که اسلام هر دو هجرت را مورد مداقه قرار داده بدین معنا که هجرت عملی چیزی است که هجرت از سیئات، جای آن را پر نمی‌کند و بالعکس آن نیز صادق است (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۳۸) بنابراین اساتید باید انگاره آزادی از قیود و وابستگی به شهر و دیار و آزادی از بند شهوات و امیال و خصلت‌های روحی ناروا را در ذهن جوانان باز آفرینی نمایند. در این راستا توجه به مقتضیات زمان و نیازها و علایق و رشته‌های تحصیلی دانشجویان در برنامه ریزی‌های فرهنگی و ارائه چهره‌ای متین و جذاب از آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و بستر سازی مناسب جهت هجرت برخی دانشجویان که زمینه آلودگی به گناهان در محیط دانشگاه و پیرامون آن برای آنان فراهم است و نیز توجه به حفظ عفاف در مراکز آموزشی به‌ویژه تنظیم روابط بین دانشجویان دختر و پسر که از مصادیق هجرت از گناه شمرده می‌شود، باید از شاخصه‌های نمادین در بازنگاری آزادی فرهنگی در دانشگاه‌ها قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

برای تبیین اهداف و دستاوردهای راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه گفت‌وگو تمدن ساز که نقطه کانونی آن در دانشگاه متمرکز می‌شود، بهره‌گیری از اندیشه‌های متعالی استاد مطهری مسیری روشن در پیش روی ما قرار می‌دهد. در تلاش پیش رو که قدرت انگاره‌های آزادی در منظومه فکری استاد مطهری به تصویر کشیده شده است، با تعابیری چون آزادی تفکر، آزادی عقیده و... روبه‌رو می‌شویم که توحید عملی را به دنبال دارد و چالش‌های الهیات را پاسخ می‌دهد. در این بینش آزادی عقیده به معنای آزادی از دل‌بستگی‌ها است. آزادی معنوی و نقش آن در تفکرات استاد مطهری، تقوای الهی را به دنبال دارد و نتیجه آن آزادی اجتماعی است که در قالب صداقت و دوری از نفاق در قدرت اجرایی جامعه نمایان می‌شود. همان‌گونه که حفظ کيان اسلام در بینش مطهر در گرو آزادی بیان تعریف شده است و تصویر سازی آزادی فرهنگی در هجرت عملی و هجرت از گناه خلاصه می‌شود. بنابراین تحلیل قدرت انگاره‌های آزادی در نگره استاد مطهری می‌تواند در بستر سازی تمدنی آمیخته با فرهنگ غنی اسلام که در چشم انداز بیست ساله پیش بینی شده است راه‌گشا باشد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۳.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۹.
۶. —، جامعه در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۸.
۷. —، ولایت فقیه، قم، اسراء، ۱۳۹۷.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ ۱، بیروت، دار الشامیه، ۱۴۱۲.
۱۰. رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، ۱۲جلد، چاپ ۱، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰جلد، چاپ ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۱۲. قراملکی، احدفرامرزی، ناسخیان، علی اکبر، قدرت انگاره، چاپ ۳، قم، نشر مجنون، ۱۳۹۷.

۱۳. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، فی ظلال القرآن، ۶ جلد، چاپ ۳۵، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحدیث)، ۱۵ جلد، چاپ اول، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۳ جلد، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الطبع والنشر، ۱۴۱۰.
۱۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، ۱۰ جلد، چاپ ۳، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.
۱۷. مطهری، مرتضی، آزادگی بندگی، تهران، بینش مطهر، ۱۳۹۴.
۱۸. —، آزادی انسان، تهران، بینش مطهر، ۱۳۹۴.
۱۹. —، خدا در زندگی انسان، تهران، بینش مطهر، ۱۳۹۴.
۲۰. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، ۷ جلد، چاپ ۱، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴.
۲۱. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه، تهران، ۱۳۹۷.

